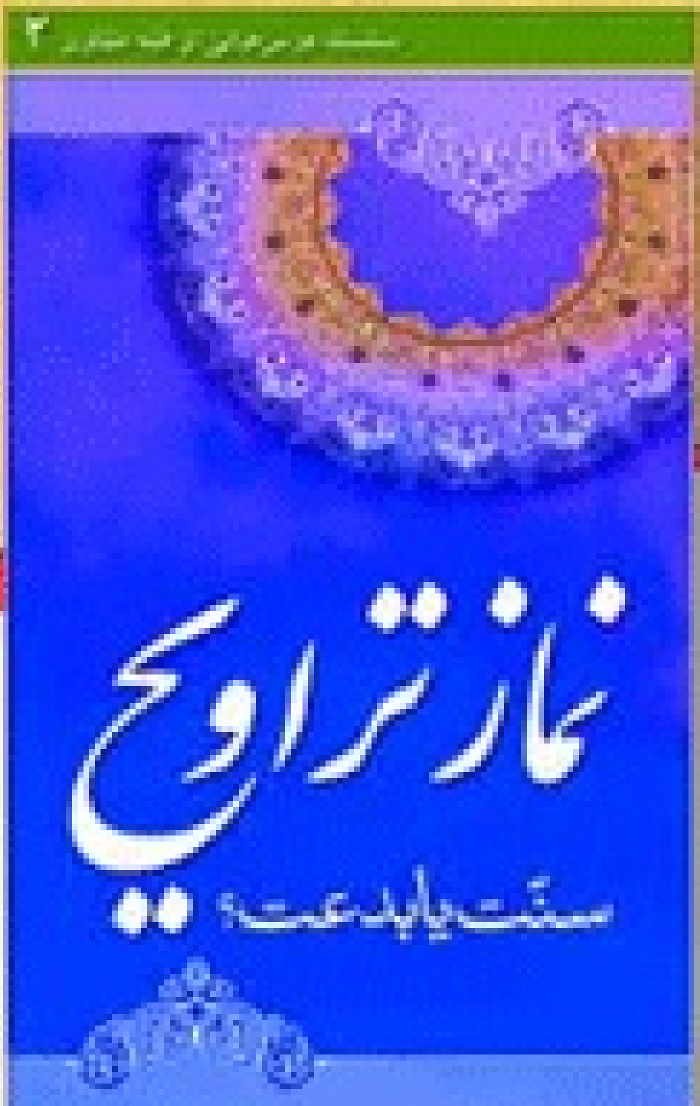


شیخ نجم الدین طبسی

بسم الله الرحمن الرحیم

نماز تراویح(نماز تراویح، سنت یا بدعت)

نویسنده:

نجم‌الدین طبسی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نماز تراویح(نماز تراویح، سنت یا بدعت)

مشخصات کتاب

سرشناسه : طبسی، نجم‌الدین، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور : نماز تراویح/ نجم‌الدین طبسی؛ مترجم محمدحسین شیرازی.

مشخصات نشر : قم: دلیل ما، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۹۵ ص.

فروست : سلسله درس‌هایی از فقه مقارن؛ ۲.

شابک : ۵۰۰۰ ریال ۶-۲۲۱-۳۹۷-۹۶۴؛ : ۱۰۰۰۰ ریال : چاپ دوم ۹-۲۲۱-۳۹۷-۹۶۴-۹۷۸ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت : عنوان روی جلد: نماز تراویح: سنت یا بدعت ؟.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۱] - ۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : نماز تراویح: سنت یا بدعت ؟.

موضوع : نماز تراویح

موضوع : احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

موضوع : رمضان

شناسه افزوده : شیرازی، محمدحسین ، ۱۳۳۵ - ، مترجم.

رده بندی کنگره : BP۱۸۷/۷/ط۲۵ن۸ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۱۷۴۵۵

سخن مترجم

در کتب فقهی و حدیثی شیعه و سنّی برای ماه مبارک رمضان نمازهای مستحبی بسیاری نقل شده که برخی از آنها به هزار رکعت می‌رسد. صلاهٔ تراویح نیز از جمله نمازهایی است که اهل سنّت آن را مستحب دانسته و در هر شب از ماه مبارک رمضان نزدیک به بیست رکعت، آن را به جماعت اقامه می‌نمایند. گرچه نماز عبادتِ برتر است و نمازهای مستحبی و مندوب در شرع مقدس محدوده خاصی ندارد، اما آیا به جز نمازهای فریضه یا مواردی که مشروعیت آن به جماعت، با دلیل قطعی از پیامبر و ائمه معصوم علیهم‌السلام به ثبوت رسیده باشد، می‌توان نمازهای مستحبی مثلاً- نوافل را به جماعت خواند؟! در این مسأله میان شیعه و سنی اختلاف هست و این اختلاف نظریه، در نماز تراویح نیز مطرح است. از چندی پیش در صدد بودم که در این‌باره تتبعی کرده، مطلبی را بنویسم و بدین منظور یادداشت هایی را از برخی منابع روایی و فقهی تهیه کردم، امّا در خلال بررسی، به نوشتاری برخوردم که فاضلی از افاضل حوزه مقدّس قم، با تتبع فراوان، موضوع تراویح را به بحث گذارده و با نظم و نسق کامل و زیبا، آماده چاپ کرده بود و این ما را از تحقیق و تفحّص مجدّد بی‌نیاز می‌ساخت؛ از این رو بهتر آن دیدم که وقت بیشتری را مصروف این کار نکنم و همان متن را ترجمه کرده، در فصلنامه «میقات حجّ» تقدیم خوانندگان گرامی نمایم. گفتنی است از آنجا که تحقیق و

نگارش یاد شده، به جز فهرست‌های کتاب، به حدود نود صفحه می‌رسید و این فراتر از ظرفیت یک مقاله در فصلنامه بود، بر آن شدم که آن را تلخیص کرده در قالب این مقاله، که برگرفته از متن عربی است، به صورت گزیده، با اندک تصرف، به خوانندگان گرامی تقدیم کنم. جا دارد از مساعی نگارنده محترم که زحمت پژوهش و نگارش را متحمّل شده‌اند سپاسگزاری شود.

واژه «تراویح»

«تراویح» جمع «ترویحه» و معنای اصلی آن، نشستن است. بعدها آن را به نشستن به منظور استراحت پس از چهار رکعت نماز (مستحبی) در ماه رمضان، اطلاق کرده‌اند و از آن پس به هر چهار رکعت نماز یاد شده، «تراویح» گفته‌اند. البته مجموعه این نماز را هم که به بیست رکعت می‌رسد، تراویح می‌گویند. [۱] . کحلانی می‌نویسد: نامگذاری این نماز به تراویح، شاید مستند به روایتی باشد که بیهقی از عایشه نقل کرده که گفت: «پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از هر چهار رکعت به استراحت می‌پرداخت.» اگر این حدیث به ثبوت برسد، مستند اصلی است برای نشستن امام در نماز تراویح. [۲] . اشکال در روایت همان است که بیهقی بدان اشاره کرده که تنها راوی حدیث «مغیرهٔ بن دیاب» است که مورد تأیید نیست. [۳] .

نمازهای ماه رمضان در احادیث شیعه و سنی

اشاره

در صحاح و سنن و مدارک و جوامع روایی، روایات بسیاری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام درباره نافله‌های ماه رمضان، اصل مشروعیت، تعداد رکعات و چگونگی آن رسیده است که از مجموع آن ها، اصل مشروعیت آن به اجماع و اتّفاق نظریه استفاده می‌شود. مسأله مورد اختلاف این است که آیا این نافله‌ها را می‌توان به جماعت خواند یا باید فرادی خوانده شود؟ در این تحقیق، به تفصیل در باره این موضوع بحث خواهد شد. در اینجا، به دلیل رعایت اختصار، از کتب اهل سنّت به آنچه بخاری آورده و از کتب امامیه به آنچه شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده است بسنده می‌کنیم. و در پانوشت‌ها به دیگر مصادر روایی که احادیث مربوط را ثبت کرده است، اشاره می‌کنیم:

روایات اهل سنت

۱ ـ یحی بن بکیر، از عقیل، از ابن شهاب روایت کرده که امّ‌سلمه مرا خبر داد که ابوهریره گفت: از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که در باره ماه رمضان فرمود: «کسی که از روی ایمان و اخلاص به نماز بایستد، خداوند گناهان گذشته او را بیامرزد»؛ «مَنْ قَامَهُ إِيمَاناً وَ احْتِسَاباً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». [۴] . ۲ ـ به طریق دیگر از ابوهریره نقل شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «مَنْ قَامَ رَمَضان إِيمَاناً وَ احْتِسَاباً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». ابن شهاب گوید: پیامبر خدا رحلت کردند و تا زمان ابوبکر و اوایل خلافت عمر امر به این منوال بود. [۵] . شوکانی گوید: از نووی نقل شده که قیام رمضان، با نماز تراویح تحقق می‌پذیرد ولی منحصر به تراویح نیست. و سخن کرمانی را که گفته است قیام رمضان جز به تراویح محقّق نمی‌شود، دور از واقعیت دانسته است. [۶] . ۳ ـ بنا به نقل بخاری، از عایشه روایت شده که گفت: «إِنَّ رَسُول اللّه صَلّى وَذلِكَ فى رَمَضان». [۷] . ۴ ـ یحیی بن بکیر، از عقیل، از ابن شهاب، از عروه روایت کرده که عایشه بر من خبر داد که رسول خدا در نیمه شبی به مسجد رفتند و گروهی با نماز آن حضرت نماز خواندند و این خبر منتشر شد و در پی آن جمعیت بیشتری آمدند و با پیامبر نماز گزاردند، صبح شد و خبر نماز پیغمبر زبان به زبان گشت و در شب سوّم نیز با نماز آن حضرت نماز خواندند و چون شب چهارم فرارسید، مسجد گنجایش جماعت را نداشت تا اینکه مردم

برای ادای فریضه صبح اجتماع کردند و پیامبر پس از نماز صبح شهادتین گفته، سپس فرمودند: از تنگی مکان بیم نداشتم، لیکن ترسیدم که این نماز بر شما واجب شود؛ (خَشیتُ أنْ تَفْرِضَ عَلَیکُمْ...) و از انجام آن ناتوان شوید. پیامبر رحلت نمودند و امر بدین منوال بود. [۸] . شوکانی گوید: نوری گفته است: از این روایت چنین استفاده می‌شود که نافله را می‌توان به جماعت خواند، امّا به نظر من باید نافله را فرادی خواند، به جز نوافل مخصوص؛ مانند عید، کسوف، استسقا و تراویح، به نظر اکثر فقها». [۹] . این نظریه از چند جهت مردود است: اوّلاً ـ روایت پیشین دلیل بر این نیست که آن نماز که پیامبر گزاردند، تراویح بوده و در ماه رمضان اقامه شده است، تا بتوان بر مشروعیت تراویح استدلال کرد. ثانیا: فقهای اهل سنّت در اینکه مضمون روایت مبیّن جماعت در نافله باشد، تأمّل دارند و جز در مواردی خاص؛ مانند عید و استسقا و... فرادی خواندن را ترجیح داده‌اند. چنانکه از قول شوکانی خواهد آمد. ثالثا: سند روایت جای تأمّل دارد؛ زیرا یحیی بن بکیر را که همان یحیی بن عبداللّه ابن بکیر است، برخی علما مانند نسائی و ابن حاتم ضعیف شمرده‌اند. نسائی گوید: «ضعیف است و در مورد دیگر گوید ثقه نیست.» ابی‌حاتم نیز گوید: حدیث او ثبت می‌شود امّا به آن استدلال نمی‌توان کرد. [۱۰] . ۵ ـ اسماعیل گوید، مالک برایم نقل کرد از سعید مقبری، از ابی‌سلمه پسر عبدالرحمان که از عایشه پرسید: نماز پیامبر در ماه رمضان چگونه بود؟ پاسخ داد: در رمضان و نه غیر آن، بر یازده رکعت می‌افزود. چهار رکعت می‌خواند که از زیبایی و طولانی بودنش مپرس، سپس چهار رکعت دیگر می‌خواند که از زیبایی و طولانی بودنش مپرس. آنگاه سه رکعت دیگر می‌خواند. پرسیدم: یا رسول‌اللّه آیا پیش از نماز وتر به خواب می‌روید؟ پاسخ می‌دادند ای عایشه، دیدگان من به خواب می‌روند امّا قلب من بیدار است. [۱۱] . تفسیر «خَشِیتُ أنْ تَفْرِضَ» نکته قابل ذکر در روایت فوق، جمله «می‌ترسم بر شما واجب شود» است؛ زیرا چگونه ممکن است مواظبت به یک عملِ مستحب، سبب وجوب آن شود؟! و به گفته علاّمه مجلسی رحمه‌الله: مواظبت بر عمل خیر و اجتماع بر یک فعل مندوب، هرگز سبب وجوب آن نمی‌شود؛ چرا که خدای تعالی از وجود مصالح و مفاسد افعال غافل نیست تا اجتماع مردم آن را کشف کند!... اگر پیامبر از واجب شدن نماز نافله در شب، با عمل مردم، بیم داشت چرا امر کرد در خانه‌های خود بخوانند؟ و چرا آنها را از انجام نوافل به دلیل بیم از واجب شدن آن نهی نکرد؟! مناسب با تعلیل مذکور در روایت فوق این بود که بفرماید: «می‌ترسم جماعت خواندن نافله بر شما واجب شود» نه اینکه «نافله شب واجب گردد»، همانگونه که در برخی روایاتشان آمده است. در حالی که آنها معتقدند در برخی نوافل مانند نماز عید، کسوف، استسقا و نماز میّت، جماعت خواندن مستحب است و از جماعت خواندن آنها نهی نرسیده است. بنابراین، اگر روایت مذکور صحیح باشد باید بر این مطلب حمل کرد که چیزی را که خداوند امر نفرموده، نباید در آن مرتکب تکلّف شد و مثلاً نماز شب را نباید واجب شمرد؛ چرا که موجب بدعت در دین خواهد بود. پس این روایت به وضوح دلالت دارد که عمل آنها (جماعت خواندن نافله) ناپسند است و بسا موجب عقاب گردد و حال که چنین است پس از اینکه رابطه وحی قطع گردید ارتکاب آن جایز نخواهد بود. [۱۲] .

روایات امامیه

۱ ـ شیخ طوسی به اسناد خود از مسعدهٔ بن صدقه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «روش پیغمبر در ماه رمضان این بود که بر نمازهای نافله پیشین می‌افزود و از اوّل ماه تا بیستم، بیست رکعت بجای می‌آورد، هشت رکعت پس از مغرب، دوازده رکعت پس از عشا و در دهه آخر هر شب سی رکعت می‌خواند. دوازده رکعت پس از مغرب، هجده رکعت پس از عشا و به دعا و تجهّد اهتمام بلیغ می‌فرمود و در شب بیست و یکم صد رکعت و در شب بیست و سوّم صد رکعت می‌خواندند و به شب زنده‌داری می‌پرداختند» [۱۳] . ۲ ـ ونیز شیخ طوسی به اسناد خود از مفضل، از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که فرمود: «یُصَلَّی فِی شَهْرِ رَمَضَانَ زِیَادَهُ أَلْفِ رَکْعَهٍ» [۱۴] . «در ماه رمضان بیش از هزار رکعت نماز خوانده می‌شود.» مفضل می‌گوید: چه کسی قادر به انجام

این نمازهاست؟ امام می‌فرمایـد: چنین نیست که تو پنـداری. آیا در ماه رمضان بیش از هزار رکعت خوانـده نمی‌شود؟ بدین ترتیب: در هر شب بیست رکعت، در شب نوزدهم صـد رکعت، در شب بیست و یکم صـد رکعت و در شب بیست و سوم صد رکعت و در هشت شب باقی مانده دهه آخر، سی رکعت، که این نهصد و بیست رکعت می‌شود....» [۱۵] . روایات دیگری نیز با همین مضامین از ائمّه معصوم علیهم‌السلام رسیده و بیانگر آن است که در هر شب از ماه مبارک رمضان تا بیست شب بیست رکعت خوانده می‌شود و در هر شب از دهه آخر سی رکعت به تفصیلی که گذشت.

آراء فقها در نافله ماه رمضان

کسی که در کتب فقهی ما امعان نظر کنـد و ابواب نمازهای مستحب را بررسی نماید، به بابی می‌رسد با عنوان «نافله‌های رمضان» که از اثبات مشروعیت و دلائل آن سخن می گوید و چنین به دست می‌آید که از امور مسلّم و غیرقابل انکار، که مورد اجماع امامیّه است، مشروعیت و جواز نافله این ماه است؛ همانگونه که اهل سنّت نیز بر مشروعیّت و جواز آن اتّفاق نظریه دارند. و اگر کسی جز این را به امامیّه نسبت دهد، نشان بی‌اطلاعی او از مبانی امامیه و آراء و کتب و دلائل آنها است. [۱۶] . در اینجا به نقل گفتار علاّمه عاملی، بسنده می کنیم؛ سیّد عاملی گوید: مشهور در میان اصحاب ما (فقهای امامیّه) استحباب نافله ماه رمضان است؛ همانگونه که در کتاب‌های مختَلَف، مقتصر، غایـهٔ المرام، الروض، مجمع البرهان، کفایـهٔ ومفاتیح و جز اینها آمـده است. بلکه می توان گفت این مسأله اجماعی است؛ همانگونه که در فوائدالشرایع، مجمع البرهان، الریاض آمده و کسی منکر آن نیست. صدوق نیز موافق جواز آن می‌باشد. بنابراین، مسأله مورد اتّفاق عموم فقها است؛ چنانکه در «مصابیح الظلام» آمده و عقیده اکثریت فقها است و همچنین در معتبر ذکر شده و در روایات نیز مشهور است، بدانگونه که در شرایع، نافع، ذکری و روضه آمده است. و در مختلف است که روایات بسیاری در این خصوص وجود دارد. و در البیان است که نافله ماه رمضان مشروعیت دارد، بنابه اشهر و کسی که آن را نفی کند با روایات نزدیک به متواتر و عمل اصحاب مخالفت کرده است. در ذکری آمده: فتاوی و اخبار فراوان دال بر مشروعیّت آن می‌باشد پس به قول نادر مخالف اعتنا نباید کرد. در معتبر آمده: عمل مسلمانان ـ عموما ـ دال بر استحباب نوافل است. در منتهی آمده است: اکثر اهل علم به استحباب افزودن نافله ماه رمضان بر دیگر ماه‌ها قائل‌اند و نیز گوید: به جز معدودی بر این امر اجماع دارند. در سرائر می‌خوانیم: اختلافی نیست که هزار رکعت مستحب است و جز ابو جعفر ابن بابویه، با این قول مخالفی نیست و مخالفت وی مضر به اجماع علمای متقدم و متأخر وی نمی‌باشد. [۱۷] . نگارنده گوید: کلام صدوق در کتاب «الفقیه» دالّ بر نفی مشروعیت نافله ماه رمضان نیست بلکه ظاهر گفته او نفی تأکید بر استحباب است، چه او تصریح می کند: باکی نیست که به آنچه در اخبار وارد شده عمل شود. [۱۸] . افزون بر این، در امالی صدوق آمده است: کسی که بخواهد بر نمازهای نافله در هر شب نیفزاید، هر شب بیست رکعت بخواند، هشت رکعت بین مغرب و عشا دوازده رکعت پس از عشا تا بیست شب از ماه رمضان و سپس در هر شب سی رکعت بجا می‌آورد. [۱۹] .

تعداد رکعت های نافله رمضان

اشاره

اهل سنّت در عدد این نافله‌ها اختلاف شدید دارند. این اختلاف بدان جهت است که نصّ صریح از پیامبر گرامی در این خصوص موجود نیست. مشهور نزد جمهور بیست رکعت است. برخی دیگر سی و شش رکعت گفته‌اند و برخی دیگر بیست و سه رکعت و گروهی شانزده رکعت، گروه دیگر سیزده رکعت. بعضی بیست و چهار و بعضی سی و چهار و بالأخره پاره‌ای چهل و یک رکعت

برشمرده‌اند. و امّا مشهور نزد ما (امامیّه)، به رغم اختلاف روایات، بیست رکعت در شب است تا شب بیستم رمضان، سپس سی رکعت در دهه آخر به علاوه صد رکعت در هر یک از لیالی قدر؛ نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوّم که بدین ترتیب جمعا هزار رکعت می‌شود.

خلاصه سخنان فقهای عامه

۱ ـ ابن قدامه می گوید: نظر ابو عبداللّه ـ رحمه اللّه ـ در این خصوص بیست رکعت است که همین قول را نوری و ابوحنیفه و شافعی برگزیده‌اند. و مالک سی و شش رکعت گفته و پنداشته که از دیر زمان چنین معمول بوده است. وی به عمل اهل مدینه استناد کرده است. [۲۰] . نگارنده گوید: دلیل آنها بر بیست رکعت، عمل ابیّ بن کعب است که عمر مردم را به نماز خواندن با وی ترغیب کرد. و از اینجا معلوم می‌شود که در این خصوص نصّ صریحی از پیامبر در مورد تعداد رکعات نرسیده است. بلکه ظاهر برخی روایات نیفزودن نافله‌های رمضان بر دیگر ماه‌هاست؛ یعنی یازده رکعت نافله شب. آنها همچنین برای اثبات بیست رکعت به آنچه به علی علیه‌السلام نسبت داده شده که آن حضرت مردی را به اقامه بیست رکعت در رمضان نصب فرمود، استدلال کرده‌اند. [۲۱] . ۲ ـ محمّد بن نصر مروزی، مدعای ابن قدامه را نقد کرده که صحابه به بیست رکعت اجماع نموده‌اند. او گوید: روایات بسیاری در حدّ تواتر از پیامبر خدا رسیده که در رمضان بر یازده رکعت اضافه نمی کردند. پس صحابه چگونه بر خلاف سیره رسول اللّه اجماع نموده‌اند؟ پس بهتر آن است که فعل پیامبر ملاک عمل قرار گیرد. [۲۲] . ۳ ـ قسطلانی گوید: معروف، که اکثریت عمل می کنند، بیست رکعت است با ده سلام و پنج ترویحه (استراحت). بنابراین، هر ترویحه چهار رکعت است با دو سلام به جز وتر که سه رکعت می‌باشد. و سخن عایشه را که گوید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در رمضان و دیگر ماه‌ها بر یازده رکعت نمی‌افزود، اصحاب حمل به وتر نموده‌اند... ۴ ـ سرخسی گوید: به جز وتر، به نظر ما بیست رکعت است و مالک گوید: سنّت سی و شش رکعت می‌باشد. [۲۳] . ۵ ـ العینی نیز به اختلاف شدید اقوال در مسأله اشاره کرده است (که به دلیل اختصار، از نقل آن خودداری می‌شود). [۲۴] . ۶ ـ موصلی حنفی گوید: شایسته است در هر شب از ماه رمضان، پس از عشا، امام جماعت پنج ترویحه برای مردم اقامه کند. هر ترویحه چهار رکعت با دو سلام، و میان هر ترویحه مقداری برای استراحت بنشیند و پس از ترویحه پنجم نماز وتر را به جای آورد. ابیّ بن کعب چنین کرد و این روش مردم حرمین (مکّه و مدینه) بوده است. [۲۵] . ۷ ـ بغوی گوید: از جمله سنّت‌ها نماز تراویح در ماه رمضان است که عدد آن بیست رکعت است با ده سلام. [۲۶] . ۸ ـ ماوردی نیز بیست رکعت را با پنج ترویحه برگزیده است. [۲۷] . ۹ ـ الجزیری نیز بیست رکعت را برگزیده به جز نماز وتر. [۲۸] . از مجموع این سخنان استفاده می‌شود که قول به بیست رکعت در نزد اهل سنّت اجماعی است؛ چنانکه ابن قدامه و دیگران ادعا کرده‌اند و رأی جمهور (اکثریت) است چنانکه عسقلانی مدعی شد. و همان است رأی ابوعبداللّه، نوری، ابوحنیفه و شافعی و حنبلی‌ها که ترمذی از اکثر اهل علم نقل کرده و همین منقول است از علی علیه‌السلام و عمر و سایر صحابه و تابعین؛ مانند اعمش و ابن ابی‌ملیکه و حارث همدانی و اهل کوفه و...

آرای فقهای امامیه

مشهور نزد امامیه هزار رکعت در ماه رمضان است که در هر شب بیست رکعت تا شب بیستم و سی رکعت در شب های دهه آخر خوانده می‌شود، با تفصیلی که در کتب فقهی آمده است. در اینجا به نقل گفتار سیّد مرتضی، شیخ طوسی، حلبی، حلّی، نراقی، عاملی و طباطبایی بسنده می کنیم: ۱ ـ سیّد مرتضی گوید: «عقیده امامیّه در ترتیب نوافل ماه رمضان این است که هر شب بیست رکعت بخواند، هشت رکعت پس از نماز مغرب، دوازده رکعت پس از نماز عشا و چون شب نوزدهم رسد صد رکعت و در شب بیستم همان بیست رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و در شب بیست و دوم سی رکعت، هشت رکعت آن را پس از مغرب و

بقیه را پس از عشا. [۲۹] . ۲ ـ شیخ طوسی گوید: طول ماه رمضان هزار رکعت، افزون بر نافله‌های سایر ماهها بخواند. در بیست شب اوّل، هر شب بیست رکعت، هشت رکعت میان مغرب و عشا و دوازده رکعت پس از عشا و در دهه آخر هر شب سی رکعت و در شب های نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوّم هر شب صد رکعت. [۳۰] . ۳ ـ ابوالصلاح حلبی نیز به همان ترتیب فرموده است. [۳۱] . ۴ ـ ابوالحسن حلبی، گفته است: علاوه بر نوافل یومیه، در ماه رمضان هزار رکعت خوانده شود؛ به این ترتیب که از شب اوّل تا شب پانزدهم بیست رکعت در هر شب و پس از آن بر بیست رکعت بیفزاید. [۳۲] . ۵ ـ علاّمه حلّی نیز هزار رکعت در ماه، هر شب بیست رکعت تا شب بیستم و از آن پس سی رکعت را فرموده است. [۳۳] . ۶ ـ فاضل نراقی، هزار رکعت را اجماعی دانسته و در ترتیب آن دو صورت را مطرح نموده است: الف: در هر شب بیست رکعت، هشت رکعت پس از مغرب و دوازده رکعت پس از عشا ـ یا به عکس ـ و در دهه آخر هر شب ده رکعت بیفزاید و در شب های قدر صد رکعت بیفزاید. ب: همان ترتیب، مگر آنکه در شب های قدر به صد رکعت اکتفا کند. [۳۴] . ۷ ـ سیّد عاملی گوید: در هر شب بیست رکعت و این اجماعی است، همانگونه که در انتصار و خلاف و کشف اللثام و منتهی آمده است. [۳۵] . ۸ ـ سیّد طباطبایی، با اشاره به اختلاف روایات، اجماع فقها را بر استحباب هزار رکعت، افزون بر نوافل دیگر آورده است. وی اشاره به قول صدوق نموده که گفته است: در رمضان زاید بر نوافلِ دیگر ماهها نافله‌ای نیست، آن را قول شاذّ دانسته [۳۶] و کیفیت انجام آن را به ترتیب سابق ذکر کرده است. [۳۷] . همانگونه که پیشتر گفته شد، کلام صدوق در فقیه دالّ بر عدم مشروعیّت نیست بلکه تأکید آن بر استحباب را نفی می‌کند و به طور صریح آورده است: عمل به آنچه در روایات وارد شده. [۳۸] .

اقوال مخالف در مسأله تراویح

در برابر آنچه جمهور فقهای عامّه به سنّت بودن بیست رکعت تراویح قائل‌اند، برخی آن را انکار کرده‌اند: ۱ ـ کحلانی مؤلّف «سبل السلام» آن را مورد انکار قرار داده، می‌گوید: روایت صحیحی درباره آن نرسیده و تنها یازده رکعت در روایت صحیح آمده است و آنچه عمل می‌شود (بیست رکعت) بدعت می‌باشد، شوکانی نیز در نیل الأوطار راه کحلانی را پیموده است. کحلانی در عین‌حال جماعت خواندن نافله را انکار نکرده وبه عمل عمر استناد کرده است که چون دید مردم متفرّق به نماز ایستاده‌اند، آنها را به جماعت فراخواند. و سپس به روایتی که عامّه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کنند که «بر شما باد به سنّت من و سنّت خلفای راشدین بعد از من» اشاره کرده و می‌گوید: مقصود از سنّت خلفا راه و روش پیامبر در برابر دشمنان اسلام و تقویت شعائر دین و امثال آن است. و می‌افزاید این حدیث هر خلیفه راشدی را شامل است و به شیخین (ابوبکر و عمر) اختصاص ندارد و این از قواعد شریعت است که خلیفه راشد حقّ ندارد طریقه‌ای را بر خلاف سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنیان‌گذاری کند. حتّی عمر که خود مؤسس جماعت نافله در شب‌های رمضان بود، آن را بدعت نامید و نگفت سنّت است. افزون بر این، صحابه در موارد مختلفی با شیخین مخالفت نموده‌اند و این نشانه آن است که آنها حدیث مذکور را دالّ بر سنّت بودن تراویح ندانسته‌اند. [۳۹] . ۲ ـ شوکانی بر این باور است که: از روایات این باب مشروعیّت نافله در رمضان به جماعت و یا فرادی استفاده می‌شود، بنابراین منحصر نمودن آن به تراویح و عدد معین و با قرائت بخصوص از سنّت دلیلی ندارد. [۴۰] . ۳ ـ علاّمه مجلسی گوید: از روایات اهل سنّت بر می‌آید که پیامبر بیست رکعت به عنوان تراویح اقامه نکردند بلکه سیزده رکعت بجا می‌آوردند و روایات آنها نیز هیچگونه دلالتی بر استحباب بیست رکعت ندارد تا چه رسد به جماعت خواندن آن، هر چند بهترین عبادت است و کم یا زیاد آن مانعی ندارد امّا قول به استحباب عدد خاصّ و در وقت مخصوص و به شیوه‌ای خاص، بدعت و گمراهی است در حالی که سنّتی که آنها (عامّه) روایت می‌کنند به صورت مؤکّد است و با عنوان شعائر دین تراویح را بپا می‌دارند. [۴۱] .

نماز تراویح با جماعت، بدعتی از خلیفه دوم

اشاره

ظاهر پاره‌ای نصوص این است که نخستین کسی که جماعت در نافله رمضان را سنّت کرد، عمربن خطاب بود و در زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دوره خلافت ابوبکر چنین چیزی وجود نداشت. امّا عمر با استحسان به این امر رأی داد ومردم را بدان ترغیب کرد و خود معترف بود که این بدعت است امّا می گفت بدعت خوبی است! و خود به آن ملتزم نبود و در خانه فرادی می‌خواند. به این مطلب قسطلانی و قلقشندی و ابن قدامه و دیگران تصریح کرده‌اند که سخنانشان را خواهیم دید.

روایت بخاری

ابن شهاب از عروهٔ بن زبیر، از عبدالرحمان بن عبدالقاری نقل کرده که گفت: شبی از شب های رمضان با عمربن خطاب به مسجد رفتیم، مردم متفرق بودند و هرکس برای خود نماز می‌خواند و بعضا مردی با اقوام خود به نماز مشغول بود. عمر چون این بدید گفت: به عقیده من اگر اینها را با یک امام گرد آوریم بهتر است. و در پی این تصمیم ابیّ‌بن کعب را به امامت گماشت. شب دیگر به اتفاق به مسجد رفتیم و مردم به جماعت نماز می‌خواندند، عمر گفت: «نعم البدعهٔ هذه» این بدعت خوبی است! البته نمازی که پس از خوابیدن بخوانند؛ یعنی آخر شب از اینکه اوّل شب اقامه شود بهتر خواهد بود.» [۴۲] .

علمای عامه چه می‌گویند؟

۱ ـ قسطلانی می گوید: این نماز را عمر بدعت نامید؛ زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور نداده بود که به جماعت بخوانند و همچنین در عهد ابوبکر، در اوّل شب نبود و همه شب اقامه نمی‌شد و عدد رکعات آن این مقدار نبوده است. [۴۳] . ۲ ـ ابن قدامه گفته است: تراویح را به عمر نسبت داده‌اند؛ زیرا مردم را مأمور ساخت با ابیّ‌بن کعب به جماعت بخوانند و او چنین کرد. [۴۴] . ۳ ـ العینی گوید: عمر آن را بدعت نامید؛ چرا که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را سنّت نکرد و در زمان ابوبکر نیز بدان عمل نمی‌شد. او می‌افزاید: بدعت دو گونه است؛ اگر زیر عنوان عمل پسندیده در شریعت باشد بدعت نیکو است واگر ناپسند باشد بدعت ناپسند است. [۴۵] . نگارنده گوید: خواهیم گفت که بدعت یک نوع بیش نیست و آن هم ضلالت است و حرام. ۴ ـ قلقشندی گوید: یکی از ابتکارات عمر این بود که نماز تراویح را برای نخستین بار در ماه رمضان سنّت کرد و مردم را به اقامه آن با امام واحد فراخواند و این در سال چهاردهم هجرت بود. [۴۶] . الباصی، سیوطی، سکتواری و دیگران نیز گفته‌اند: اوّلین کسی که تراویح را سنّت نمود عمربن خطاب بود و نیز تصریح کرده‌اند که اقامه نوافل به جماعت در ماه رمضان از بدعت‌های عمر است. [۴۷] . ابن سعد و طبری و ابن اثیر گفته‌اند: این موضوع در سال چهاردهم بود و در مدینه برای مردم و امام قرار داد یکی برای مردان و دیگری برای زنان. [۴۸] . الباصی، ابن التین، ابن عبدالبرّ، کحلانی و زرقانی نیز همین مطلب را گفته‌اند و کحلانی درباره این سخن عمر که گفت: این بدعت خوبی است، می گوید: بدعت هیچگاه پسندیده نیست بلکه همواره گمراهی و ضلالت است. [۴۹] . اینها بخشی است از گفتار فقهای فریقین در مسأله تراویح و همین‌هاست که موجب شده است در مشروعیت آن به بحث بپردازند.

حکم جماعت در نافله رمضان

اشاره

همـانگونه که ملاـحظه کردیم، در دوران پیـامبر صـلی‌الله‌علیه‌وآله نوافـل رمضان به جماعت تشـریع نشـده و خلیفه دوم آن را اختراع کرده است و همین امر منشأ اختلاف فقهای اسـلام شده است. امامیّه مشـروعیّت آن را به اسـتناد دلائل محکم رد کرده‌اند و متأسفانه برخی از عامّه موضع شـیعه را نفهمیده و تصوّر کرده‌اند اصل مشـروعیّت نافله مورد انکار آنها است، در حالی که چنین نیست. آنچه مردود است جمـاعت خوانـدن نـافله است نه اصـل نافله؛ چرا که به اعتراف خلیفه دوّم بـدعت است. برخی از عامّه نیز نظری موافق و نزدیک به امامیّه دارنـد؛ماننـد شافعی که جماعت خوانـدن نافله را مکروه دانسـته و برخی دیگر گفته‌اند بهتر است فرادی و در خانه خوانده شود. بنابراین مسأله مورد اتّفاق علمای عامّه نیست هر چند اکثریت به مشروعیّت جماعت قائل شده‌اند.

آرای فقهای عامه

۱ ـ عبـدالرزاق از ابن عمر نقل کرده که گفت: نماز نافله در ماه رمضان به جماعت خوانـده نشود. [۵۰] . و نیز از مجاهـد ـ که گفت مردی نزد ابن عمر آمـد و گفت در رمضـان جمـاعت می‌خوانم ـ پرسـید آیـا قرائت می‌خوانی، پاسخ داد: آری، گفت: آیـا همچون حمـار سـکوت می‌کنی! برو در خانه‌ات نماز بخوان. [۵۱] . ۲ ـ سرخسـی از شـافعی نقـل کرده که گفت: مـانعی نیست هر نمازی به جماعت خوانـده شود؛ چنانکه مالک گفته و قائل به اسـتحباب آن شـده است، امّا به نظر ما مکروه است. سرخسـی می‌افزاید: شافعی نـافله را به فریضه قیـاس گرفته است، در حـالی که به نظر ما اصل در نوافل پنهان داشـتن و پرهیز از ریا و خودنمایی است. به عکس فرایض که اصـل در آنها اعلان است و جماعت چنین ویژگی را دارد. [۵۲] . و نیز در فصل دوم کتاب خود گویـد: طحاوی از معلی و ابو یوسف و مالک نقل کرده که گفته‌انـد: حتّی‌الامکان در خانه اقامه کند. و شافعی گوید: تراویح به صـروت فرادی افضل است؛ زیرا دور از تظاهر است. عیسـی بن ابـان و بکـار بن قتیبه و مزنی از شـافعیه و احمـد بن علوان قائل به افضل بودن جماعت‌انـد مطابق مشـهور اکثریّت علما. سرخسـی سپس به حدیث اباذر استناد کرده، می‌گوید: گروهی از اهل بدعت منکر جواز اقامه آن به جماعت در مسجد شده‌اند ولی چون این شعار اهل سنّت است لذا از شعائر اسلامی به حساب می‌آید! [۵۳] .

در حاشیه سخن سرخسی

نگارنـده گویـد: نمی‌دانم سرخسـی به چه کسـی گوشه می‌زنـد و کدامین را نکوهش می‌کند! و مقصود او از اهل بدعت کیست؟ با اینکه خلیفه (عمر) گفت: این بـدعت خوبی است! و شـافعی قائل به کراهت جماعت است و آن را اصل در نوافل دانسـته یا اینکه به امثـال بغوی گوشه می‌زنـد که قائـل به افضـل بودن انفراد است و به عمل و سـیره پیامبر اسـتناد کرده که فرمود: «در خانه‌هایتان نماز بخوانیـد». یا بر امامیّه تعریض می‌زند که قائل به عدم مشـروعیت جماعت نوافل در مواردی هسـتند که دلیل وجود ندارد؟! و بالأخره چرا اقامه نافله به جماعت، شـعار اهل سـنّت شده؟ با اینکه عمر اقرار به بدعت بودنش دارد و خود او ترجیح می‌داد تنها بخواند و در عهـد پیـامبر خوانـده نشـد و نیز در خلافت ابوبکر و بخشـی از دوران عمر و گروهی از اعلام و بزرگان اهل سـنّت چون مالک و ابو یوسف و برخی شـافعیه به پیروی او، قائل به کراهت‌انـد، آیا اینها به زعم سرخسـی اهل سـنّت نیسـتند که شـعار اهل سـنّت (جماعت تراویح) را ترک کرده‌اند! [۵۴] . اگر پیامبر آن را شعار اسلام و سنّت قرار نداد و صحابه نیز آن را شعار سنّت نشناختند، چگونه و به چه دلیل و از کجا این شـعار سـنّت شـد؟ تا عامل امتیاز آنها از سایر مـذاهب باشد؟ آیا این از مصادیق بارز بدعت نیست؟ به علاوه، چگونه می‌توان چنین بـدعتی را به جمـاعت در فرائض قیاس کرد، با اینکه مشـروعیت جماعت در فرایض جای سـخن نیست! باری، منشأ تشـریع جماعت در تراویح، رأی شخصی و اجتهاد بدون دلیل و صرفا استحسان است؛ چرا که خلیفه دوم گفته است: به نظر من اگر یک امام با این جماعت نماز بخواند بهتر خواهد بود! و جز این مستندی ندارد. موصلی، بغوی، قسطلانی و دیگر فقهای عامه نیز به بحث در باره این موضوع پرداخته و دیدگاه‌های مختلفی ابراز کرده‌اند؛ از جمله قسـطلانی با نقل قول برخی فقها در افضلیت اقامه

نافله در خانه و به صورت فرادی، آن را مستند به فعل رسول‌اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله نموده که آن حضرت در خانه و فرادی به‌جا می‌آوردند و اعتراف عمر را نیز به همین ترتیب آورده و اختیار این قول را به مالک و ابویوسف و برخی شافعیه نسبت داده و از زهری نقل کرده که می‌گفت رسول خدا درگذشت و سیره بر این جاری بود که نافله را هر کسی در خانه‌اش فرادی بخواند تا اینکه عمر آمد و مردم را توصیه کرد که با ابیّ‌بن کعب به جماعت برگزار کنند و این شیوه بعد از آن معمول گردید. [۵۵] . همچنین شوکانی از قول مالک و ابو یوسف و برخی شافعیه و دیگران نقل کرده که گفته‌اند: افضل فرادی و انجام نافله در خانه است، به دلیل قول رسول اللّه که فرمود: «افضل صلوهٔ المرء فی بیته إلّا المکتوبهٔ.»، افضل این است که شخص نماز خود را در خانه بخواند بجز نمازهای واجب. شوکانی اضافه می‌کند که این حدیث مورد اتفاق است و این در حالی است که عترت (اهلبیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز گفته‌اند که جماعت خواندن نافله بدعت است. [۵۶] .

فتوای علمای امامیه

عموم فقهای امامیه با جماعت خواندن نافله را بدعت می‌دانند؛ از جمله آنها سیّد مرتضی است که می‌گوید: امّا تراویح، بدون شبهه بدعت است، همانگونه که در روایت نبوی است که فرمود: «أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ الصَّلاهَٔ بِاللَّیْلِ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ مِنَ النَّافِلَهِٔ فِی جَمَاعَهٍٔ بِدْعَهٌٔ». «مردم! نماز نافله شب را در ماه رمضان به جماعت خواندن بدعت است.» [۵۷] . و روایتی نیز هست که عمر در یکی از شب های ماه رمضان وارد مسجد شد، دید چراغ‌ها را برای نماز جماعت روشن کرده‌اند. پرسید: قضیّه چیست؟ گفتند: مردم برای نماز مستحبی اجتماع کرده‌اند. عمر گفت: «بِدْعَهٌٔ فَنِعْمَهِٔ الْبِدْعَهُٔ»؛ «بدعت است امّا بدعت خوبی است!» چنانکه ملاحظه می‌کنیم عمر به بدعت بودنش معترف بود و از قول نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است که فرمود: «کُلُّ بِدْعَهٍٔ ضَلالَهٌٔ»؛ «هر بدعتی گمراهی است». روایت دیگری در این خصوص وجود دارد که مردم کوفه در مسجد اجتماع کرده بودند و از امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام خواستند کسی را به امامت برگزینند تا نافله ماه رمضان را با وی اقامه کنند و حضرت آنان را نکوهش کرد و فرمود: این خلاف سنّت است. [۵۸] . سیّد مرتضی (از فقهای امامیّه) نیز می‌گوید: ادّعای قاضی القضاهٔ که نافله گزاری با جماعت، در ماه رمضان، در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وجود داشته و سپس آن حضرت ترک نموده است، مغالطه‌ای بیش نیست؛ چرا که ما نافله ماه رمضان را به صورت فرادی منکر نیستیم بلکه جماعت خواندن آن را قبول نداریم و اگر کسی مدعی شود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان خود به جماعت خواندند، این ادعا نوعی زورگویی است که کسی به آن تن نداده است و اگر چنین بود، عمر نمی‌گفت: «إِنَّها بِدْعَهٌٔ»؛ «این یک بدعت است.» سیّد مرتضی، همچنین می‌فرماید: «به نظر می‌رسد که امامیّه در ممنوعیّت اقامه جماعت در نافله‌های ماه رمضان منفرد اند و آن را ناپسند می‌دانند و بیشتر فقهای عامّه نیز با این رأی موافق می‌باشند. معلی از ابویوسف نقل می‌کند که گفت: اگر کسی بتواند در ماه رمضان نافله را در خانه خود اقامه کند، همانگونه که امام می‌خواند، به نظر من بهتر آن است که چنین کند. مالک نیز می‌گوید: ربیعه و بسیاری از علمای ما، هنگامی که نافله به جماعت اقامه می‌شد مسجد را ترک می‌کردند و با جماعت نماز نمی‌خواندند و من نیز چنین می‌کردم؛ چرا که پیامبر نافله را جز در خانه اقامه نکرد. شافعی هم می‌گوید: به نظر من نماز فرادی در نافله رمضان بهتر است. اینها مطالبی است که طحاوی در کتاب «الاختلاف» نقل کرده است. بنابراین، موافقین امامیّه در این مسأله بیشتر از مخالفان هستند. دلیل ما در این مسأله، یکی «اجماع» است و دیگری «طریق احتیاط»؛ زیرا کسی که در خانه فرادی بخواند به اجماع همه نه بدعت‌گذار است و نه گنهکار، در حالی‌که اقامه آن به جماعت، مظنّه گناه و بدعت می‌باشد. سیّد مرتضی سپس می‌افزاید: عمر نیز خود معترف بود که خلاف سنّت است و حکم بدعت را دارد و خود آنها (عامّه) روایت می‌کنند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «کُلُّ بِدْعَهٍٔ ضَلالَهٌٔ وَ کُلُّ ضَلالَهٍٔ فِی النَّارِ»؛ «هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش جای دارد.» [۵۹] . موضوع تراویح در اصل مقاله، با بحث‌های روایی و فقهی دنبال شده و دلائل روایی بسیاری، از منابع امامیّه، در خصوص بدعت

بودن تراویح نیز آمده است. همچنین جرح و تعدیل دلایل فریقین در مسأله مورد بحث، همچنان ادامه دارد که خوانندگان را به مطالعه اصل مقاله توصیه می‌کنیم و برای ترجمه و تلخیص همین مقدار را کافی می‌دانیم.

پاورقی

[۱] نک: بحار الأنوار، ج۱، ص۳۶۳؛ فتح الباری، ج۴، ص۲۹۴؛ ارشاد الساری، ج۴، ص۶۹۴؛ شرح الزرقانی، ج۱، ص۲۳۷؛ النهایه، ج۱، ص۲۷۴؛ لسان العرب، قاموس و....

[۲] سبل السلام، ج۲، ص۱۱.

[۳] السنن الکبری، ج۲، ص۷۰۰.

[۴] بخاری، ج۱، ص۳۴۳؛ مسلم، ج۱، ص۵۲۳؛ موطأ، ج۱، ص۱۱۳ و....

[۵] بخاری، ج۱، ص۳۴۳.

[۶] نیل الأوطار، ج۳، ص۵۱.

[۷] بخاری، ج۱، ص۳۴۳.

[۸] بخاری، ج۱، ص۳۴۳.

[۹] نیل الأوطار، ج۳، ص۵۰.]

[۱۰] تهذیب الکمال، ج۲۰، صص ۴۰ و۱۳۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج۱۰، ص۶۱۲.

[۱۱] بخاری، ج۱، ص۳۴۳.

[۱۲] نک: بحار الأنوار، ج۳۱، ص۱۲.

[۱۳] التهذیب، ج۳، ص۶۲ ح۱؛ الاستبصار، ج۱، ص۴۶۲ ح۱۷۹۱؛ وسائل الشیعه، ج۸، ص۲۹، ح۲.

[۱۴] التذهیب، ج۳، ص۶۸، ح۲۱؛ وسائل الشیعه، ج۸، ص۲۹، باب ۷، ح۱.

[۱۵] التهذیب، ج۳، ص۶۲، ح۶؛ الإستبصار، ج۱، ص۴۶۲، ج۱۷۹۶؛ وسائل، ج۸، ص۲۹، باب ۷، ح۲.

[۱۶] سرخسی می‌گوید: امّت اجماع بر مشروعیت نوافل رمضان و نماز تراویح دارند و احدی از اهل دانش جز رافضی‌ها منکر آن نیست. المبسوط، ج۲، ص۱۴۵۲. (سرخسی میان نوافل رمضان و نماز تراویح خلط کرده است. اصل نوافل رمضان را فقهای امامیّه منکر نیستند، چیزی که مورد اعتراض امامیّه است، به جماعت خواندن آن می‌باشد، «مترجم».

[۱۷] مفتاح الکرامه، ج۳، ص۲۵۵.

[۱۸] نک: الحدائق الناظره، ج۱۰، ص۵۰۹.

[۱۹] امالی صدوق، ص۷۴۷؛ مجلس، ص۹۳، به نقل مفتاح الکرامه، ج۳، ص۲۵۵.

[۲۰] المغنی، ج۲، ص۱۶۷.

[۲۱] نک: المغنی، ج۲، ص۱۶۷؛ السنن الکبری، ج۲، ص۶۹۹، وافزوده اسناد این روایت ضعیف است.

[۲۲] حاشیه المغنی، ج۲، ص۱۶۷.

[۲۳] المبسوط، ج۲، ص۱۴۵.

[۲۴] عمدهٔ القاری، ج۱۱، ص۱۲۷ و....

[۲۵] الاختیار، ج۱، ص۹۵.

[۲۶] التهذیب فی فقه الشافعی، ج۲، ص۳۶۸.

[۲۷] الحاوی الکبیر، ج ۲، ص ۳۶۸.

[۲۸] نک: عمدهٔ القاری، ج ۱۱، ص ۱۲۷ و....

[۲۹] الإنتصار، ص ۵۵.

[۳۰] الخلاف، ج ۱، ص ۵۳۰ مسأله ۴۵۹.

[۳۱] الکافی فی الفقه، ص ۱۵۹.

[۳۲] اشارهٔ السبق، ص ۱۰۵.

[۳۳] قواعد الأحکام.

[۳۴] مستند الشیعه، ج ۶، ص ۳۷۹.

[۳۵] مفتاح الکرامه، ج ۳، ص ۲۵۵.

[۳۶] من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۹.

[۳۷] ریاض المسائل، ج ۴، ص ۱۹۷. نک: جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۱۸۷.

[۳۸] نک: حدائق، ج ۱، ص ۵۰۹.

[۳۹] نک: سبل السلام، ج ۲، ص ۱۱.

[۴۰] نیل الأوطار، ج ۳، ص ۵۳.

[۴۱] نک: بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۵.

[۴۲] بخاری، ج ۱، ص ۳۴۲؛ عبدالرزاق، ج ۴، ص ۲۵۸.

[۴۳] ارشاد الساری، ج ۴، ص ۶۵۷.

[۴۴] المغنی، ج ۲، ص ۱۶۶.

[۴۵] عمدهٔ القاری، ج ۱۱، ص ۱۲۶.

[۴۶] مآثر الانافه فی معالم الخلافه، ج ۲، ص ۳۳۷.

[۴۷] محاضرات الاوائل، ص ۱۴۹ و شرح المواقف.

[۴۸] طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۲۸۱؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۲؛ کامل، ج ۲، ص ۴۱؛ تاریخ عمربن خطاب ابن جوزی، ص ۵۲.

[۴۹] نک: سبل السلام، ج ۲، ص ۱۰؛ بدایهٔ المجتهد، ج ۱، ص ۲۱۰ و شرح فرقانی و....

[۵۰] المصنف، ج ۵، ص ۲۶۴.

[۵۱] همان.

[۵۲] المبسوط، ج ۲، ص ۱۴۴.

[۵۳] همان، ج ۲، ص ۱۴۵.

[۵۴] علّامه حلّی گوید: جماعت در نمازهای فریضه است نه مستحب، جز نماز استسقا و عیدین. تذکرهٔ الفقهاء، ج ۴، ص ۲۳۵.

[۵۵] ارشاد الساری، ج ۴، صص ۶۶۱ ـ ۶۵۴.

[۵۶] نیل الاوطار ۳ / ۵۰؛ مستند الامام زید، الهامش ۱۳۹.

[۵۷] من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۷، باب الصلاهٔ فی شهر رمضان.

[۵۸] تلخیص الشافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

[۵۹] الإنتصار، ص ۵۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹